

سراب انتقال آب از خزر



فاطمه قدیری
خبرنگار گروه جامعه

درحالی‌به یادان اولین ماه‌پاییز نزدیک می‌شویم که پایتخت در میانه بحرانی مزمَن در حوزه تأمین آب شرب قرار دارد و شاخص‌های منابع زیرزمینی از افت مداوم حکایت می‌کنند؛ اما بار دیگر طرحی بر سر زبان‌ها افتاده که بوی «بحران» می‌دهد. ابراهیم نجفی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، از پروژه‌ای سخن گفته که به‌زعم او می‌تواند راه نجات پایتخت از کم‌آبی باشد؛ «انتقال آب از دریای خزر به تهران» اظهارنظری که در همان لحظه انتشار، موجی از تردید، هشدار و پرسش در میان کارشناسان محیط‌زیست و منابع آب برانگیخت.

نجفی با اشاره به وابستگی پایتخت به منابع ناپایدار، داده‌هایی ارائه کرده که زنگ خطر را روشن‌تر از همیشه به صدا درآورده است. طبق گفته وی: «در حال حاضر،

آب شرب تهران از حدود ۵۰۰ حلقه چاه تأمین می‌شود؛ منابعی که نه‌تنها در معرض افت سطح سفره‌های آب زیرِزمینی هستند، بلکه خطر فرونشست زمین را هم به دنبال دارند. از سوی دیگر، مخازن سدها نیز به شدت وابسته به بارش‌های

سالیانه‌اند و با تداوم خشکسالی‌های متوالی، این وابستگی به مخاطراتی جدی تبدیل شده است.»

تهران، ش‌شهری با جمعیتی بیش از ده‌میلیون نفر، امروز تشنه‌تر از همیشه است و آن‌گونه که عضو کمیسیون عمران می‌گوید، «تکیه صرف بر چاه‌ها و بارش‌ها نمی‌تواند پایداری آبی لازم‌رابرای چنین کلان‌شهری تضمین کند.» از همین جاست که نجفی نسخه‌ای تازه برای در مان بحران پیشنهاد می‌دهد، انتقال آب از دریای

خزر، همان دریایی که کارشناسان آن را در آستانه «مرگ اکولوژیک» می‌دانند.

او با اتکا به مطالعات انجام‌شده در بنیاد آب خزر، از جزئیات طرح پرده‌بر می‌دارد:

«از نکا در مازندران تا شهرری در جنوب تهران، دو خط لوله نفت موجود است و بر

اساس بررسی ها قرار است دو خط لوله انتقال آب نیز از مسیر مشابه احداث شود.

حدود ۸۰ درصد مسیر پیش‌تر تملک شده و نیازی به تخریب جدید نیست.» به

گفته او، هدف این پروژه، انتقال سالانه حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب به تهران

است؛ آبی که پس از تصفیه، بخشی از آن برای احیای دریاچه قم استفاده خواهد

شد تا شوری آب در آن منطقه کاهش یابد و دریاچه دوباره جانی بگیرد. مازاد این

آب نیز برای مصرف شرب پایتخت تخصیص خواهد یافت.

در نگاه نخست، طرح یادشده با زبانی فنی و اعدادی دقیق ارائه می‌شود؛ گویی

پاسخ نهایی برای همه بحران‌های آبی پایتخت در آن نهفته است. اما آنچه در پس

این طرح نهفته، پرسش‌هایی بنیادی است. چگونه می‌توان از دریایی که سطح آب

آن سال‌به‌سال پایین‌تر می‌رود، منبعی پایدار برای شهری میلیون‌نفری تأمین کرد؟ آیا

می‌توان از «نبعی در حال مرگ» به «شهری در آستانه عطش» خون تازه رساند؟

این پرسش‌ها همان جایی است که پای محیط‌زیست‌دانان و پژوهشگران منابع

آب را به میان می‌کشد؛ کسانی که نه با عدد و لوله، بلکه با اکوسیستم و تعهدات

بین‌المللی به بحران می‌نگرند. از همین‌رو محمد درویش و حاج‌مردانی، فعالان

محیط‌زیست در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی ابعاد مختلف این مسئله

پردازتند.

روّیایی کهنه با لباسی تازه

این نخستین بار نیست که دریای خزر در روّیای نجات مناطق مرکزی ایران نقش آفرینی می‌کند. تاریخ این طرح، به حدود یک دهه پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که ایده انتقال آب از سواحل شمالی کشور به استان سمنان کلید خورد. طرحی که در آن زمان، با عنوان «انتقال آب از خزر به فلات مرکزی»، موجی از مخالفت‌ها، هشدار ها و حتی پرونده‌های کارشناسی در دستگاه‌های محیط‌زیستی به‌دنبال داشت.

بر اساس برآوردهای سال ۱۳۹۶، اجرای این طرح قرار بود بین ۲۵ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان هزینه داشته باشد؛ رقمی که امروز با افزایش هزینه‌ها، عملاً به مرز غیرممکن رسیده است. در همان زمان نیز مشخص بود که حجم انتقالی آب، حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون متر مکعب در سسال خواهد بود؛ عددی مشابه آنچه اکنون برای تهران مطرح می‌شود. اما مسئله اصلی نه در مقدار آب، بلکه در «قیمت‌شدن» و «منطق اقتصادی» آن نهفته است. چراکه با چنین هزینه‌هایی، هیچ بخش کشاورزی یا صنعتی توانایی استفاده از این آب گران‌قیمت را نخواهد داشت؛ آبی که هر متر مکعبش، به‌زعم کارشناسان، بیش از هر سودی، زیان اکولوژیک و مالی به‌همراه دارد.

منتقدان در همان سال‌ها از «سوداگری زمین» به عنوان مهم‌ترین محرک اجرای طرح یاد می‌کردند. یکی از پژوهشگران حوزه منابع طبیعی اظهار داشت: «تنها توجیه منطقی برای اجرای چنین طرحی، افزایش قیمت زمین در مسیر و مقصد است. همان زمان عده‌ای که از اجرای طرح مطمئن بودند، زمین‌های هکتاری در سمنان خریدند و حتی پیشنهاد دادند که هزینه طرح را خودشان پرداخت کنند تا پس از انتقال آب، زمین‌هایشان را متری بفروشند.»

به بیان دیگر، پروژه‌ای که باید پاسخی علمی به بحران کم‌آبی باشد، در عمل به بستری برای سوداگری زمین بدل شد.

رو به‌رو شده است و سطح آن مدام عقب‌نشینی می‌کند (پیش‌بینی‌های می‌گویند تا

۵۰ سال آینده احتمال دارد بخش قابل توجهی از دریای خزر کاملاً خشک شود)

بین کشور‌های هم‌جوار خزر اکنون نیز درگیری‌هایی بر سر این موضوع وجود دارد.

اگر قرار باشد همین باقی مانده آب به‌این ترتیب مصرف شود، حتماً این درگیری‌ها تشدید خواهد شد. الان فک خزری به‌عنوان نماد دریای خزر در حال از بین رفتن است، ماهی کِلِیکا از بین رفته و در آمد صیادی به‌شدت مختل شده است؛ مردم

مازندران، گیلان و گلستان همین‌الان با مشکلات جدی روبه‌رو هستند؛ چراکه تالاب انزلی و آشوراده از بین رفته است، ماهی خاویاری از بین رفته و خلیج گرگان به کانون گردوغبار تبدیل شده است.»

«چرا می‌خواهیم عملاً شرایط را بحرانی‌تر کنیم و نفرت بین شهروندان تهرانی و هم‌وطنانمان در شمال کشور ایجاد کنیم؟ درحالی‌که نمونه‌های دیگری از آسیب‌ها را در اثر طرح‌های انتقال آب بین استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه

و بویراحمد، اصفهان، خوزستان و یزد دیده‌ایم. چرا از این روش‌های پایخته و ناخردانه دست برنمی‌داریم؟ خوش‌بینانه‌ترین تعبیر این اقدامات این است که جایگزین‌های بهتری نداریم؛ اما دقیق‌ترین و منطقی‌ترین راه، ارتقای تولید در واحد

سطح در بخش کشاورزی و افزایش راندمان آبیاری است. باید به روش‌هایی مثل ابروپنیک، هیدروپونیک، کشت گلخانه‌ای و ایزوکلچر توجه کنیم تا مصرف آب در بخش کشاورزی به‌طور قابل توجهی کاهش یابد.»

به جای لوله‌کشی از خزر شبکه فرسوده را نوسازی کنیم

وی با بیان اینکه در استان تهران نیز باید مصرف آب در بخش کشاورزی کاهش یابد و مصرف آب شهر و ندان کنترل شود، گفت: «آب بهداشتی و آب شرب باید از هم تفکیک شود. الان مردم برای شستن ماشین با نظافت منزل از آب شرب استفاده می‌کنند، چرا باید چنین باشد؟ گفته می‌شود حدود ۳۰ درصد آب شرب تهران هدر می‌رود، لوله‌ها فرسوده‌اند و برخی مشترکان مصرف غیر متعارف دارند. این مسائل را اصلاح کنیم تا معادله بزرگی تعریف شود و نیازی به انتقال‌های پرهزینه و زیان‌بار نباشد. در رابطه با آب‌شیرین‌کن‌ها و انتقال آب‌شور به تهران، اگر ما در بخش کشاورزی استان‌هایی مانند سمنان، راندمان آبیاری را ۱۰ درصد افزایش دهیم، همان مقدار آب‌را که قرار است از خزر بیآوریم، صرفه‌جویی خواهیم کرد. در کشاورزی سمنان راندمان آبیاری حدود ۲۵ درصد است و ضایعات نزدیک ۳۰ درصد است؛ آبیاس‌وار نیست به ارتقای فناوری و روش‌های کشاورزی کمک کنیم؟ این موضوع در سند ملی امنیت غذایی نیز مطرح شده است و رئیس‌جمهور گذشته بر آن تأکید داشته‌اند، ما موظفیم اجرای آن را ابلاغ و عملیاتی کنیم. «در نظر بگیرید لوله آبی که می‌خواهد منتقل شسود، ممکن است نیاز به قطع بخشی از جنگل‌های هیرکانی داشته باشد؛ ایجاد گسست اکولوژیک در البرز، رسیدن به سمنان یا تهران و تابودی زیست‌بوم‌های طبیعی از پیامدهای آن است. این واقعا اقدامی عبث و خطرناک است. علاوه بر این، وارد کردن آب شیرین به برخی استان‌ها باعث می‌شود آن مناطق مهاجرپذیرتر شوند و فشار جمعیتی و بحران‌های بعدی ایجاد شسود؛ بحران‌هایی که اکنون در اصفهان و یزد مشاهده می‌کنیم، خودساخته ماست.»

انتقال آب به تهران نیازمند پمپا۳ هزارمتری است

حاج‌مردانی از خصوص این طرح اظهار کرد: «با وجود اینکه بخش آب‌برقی کشور

اما فاجعه فقط در زمین خلاصه نمی‌شد. بخش مهمی از نگرانی کارشناسان به

«وضعیت خوددریای خزر» بازمی‌گشت. در همان سال‌ها گزارش‌های رسمی از

کاهش ورودی رودخانه ولگا (شریان اصلی تغذیه‌کننده خزر) منتشر شد. روسیه

با سدسازی‌های جدید روی ولگا در صدتوسعه کشاورزی بود، ترکمنستان برنامه

ساخت آب‌شیرین‌کن‌های بزرگ را دنبال می‌کرد و میزان آلا‌پندگی در حوضه

جنوبی خزر به گفته کارشناسان، ده‌ها برابر بیشتر از حد استاندارد بین‌المللی

بود. در چنین شرایطی، ایران به عنوان یکی از پنج کشور حاشیه خزر، به جای

آن‌که پرچمدار حفاظت از این پهنه آبی باشد، خود به پروژه‌ای روی آورد که به

گفته منتقدان، «آخرین تیر بر پیکر نیمه‌جان خزر» تلقی می‌شود. افزون بر این،

مسیر اجرای طرح در منطقه‌ای قرار داشت که از نظر بوم‌شناسی به‌شدت شکننده

است؛ اطراف میانکاله، پهنه‌ای که عمق آب آن طی سال‌های اخیر به شکل

نگران‌کننده‌ای کاهش یافته و هرگونه فعالیت عمرانی در آن، به‌ویژه در حوزه انتقال

آب، می‌تواند زیستگاه ماهیان خاویاری را به نابودی بکشانند. پیامد چنین اقدامی،

ند فقط تهدید معیشت صیادان محلی، بلکه برهم‌خوردن تعادل اکولوژیک یکی از

حساس‌ترین تالاب‌های ایران خواهد بود. همان زمان، وزارت نفت نیز با بخشی

از مسیر پیش‌بینی شده مخالفت کرد. قرار بود لوله‌های انتقال آب از کنار خط لوله

نیرگاه‌نکا عبور کنند، اما کارشناسان نفت هشدار دادند که این هم‌جورای می‌تواند

ضریب پایداری خطوط نفتی را کاهش داده و خطر انفجار را افزایش دهد. در

نهایت، مسیر جایگزین مستقل پیشنهاد شد که مستلزم تخریب بیشتر جنگل‌ها

و هزینه‌های هنگفت‌تر بود. به همین دلایل بود که در نهایت، سازمان حفاظت

محیط‌زیست اعلام کرد که طرح انتقال آب از خزر به سمنان متفی است. با این

حال، به نظر می‌رسد روّیای خزر هنوز در ذهن برخی سیاست‌گذاران زنده مانده

است؛ روّیایی که حالا از «سمنان» به «تهران» رسیده و در قالبی تازه، دوباره مطرح

شده است. اما آیا این بار، سرنوشت طرح متفاوت خواهد بود؟

عقلانیت را قربانی طرح‌های نمایشی نکنیم

درویش در خصوص امکان اجرایی کردن این طرح با بیان اینکه وقتی از خلیج فارس یا دریای عمان آب وارد می‌شود، انتقال از دریای خزر قاعدتاً راحت‌تر به‌نظر می‌رسد، گفت: «تهران حدود ۱/۸ میلیارد متر مکعب و استان تهران ۲۸ میلیارد متر مکعب آب برای مصرف کشاورزی به سمت ورامین و شهریار و معین‌آباد می‌فرستد و خود مصرف آب شرب و بهداشتی تهران نیز مورد توجه است. آنچه قرار است الان از دریای خزر منتقل شود، حدود یک‌دهم میلیارد متر مکعب است، یعنی چیزی در حدود ۱۰ درصد آبی که از تهران به مصرف کشاورزی جنوب‌تهران می‌رود. آیا بهتر نیست خرمن‌دانه‌تر عمل کنیم و ضررهای اقتصادی و زیست‌محیطی را کاهش دهیم؟ «ما باید فناوری کشاورزی را ارتقا دهیم و مصرف آب در بخش کشاورزی را کم کنیم؛ این مطلب در سند ملی امنیت غذایی هم منعکس شده است. طبق آن سند، باید مصرف آب در بخش کشاورزی تا اقی ۱۴۱۱ دست‌کم ۳۰ میلیارد متر مکعب کاهش یابد و از ۸۱ میلیارد متر مکعب به ۵۱ میلیارد متر مکعب برسد. چرا قوانینی را که خود تصویب کرده‌ایم رعایت نمی‌کنیم و تن به چنین اقدامات مخاظره‌آمیزی می‌دهیم؟»

از تجربه تلخ استان‌های جنوبی عبرت بگیریم

این فعال محیط‌زیست تصریح کرد: «همین‌الان خزر با بدترین خشکسالی خود

ما تحت مدیریت یک وزارتخانه واحد قرار دارد، به نظر می‌رسد در طرح‌ریزی پروژه‌های آبی، به مصرف برق و انرژی توجه چندانی نمی‌شود. در حال حاضر نگاه غالب این است که مسئله را صرفاً از منظر تأمین آب و میزان منابع آبی بررسی کنیم، در حالی که مثلاً انتقال تنها یک متر مکعب آب از دریای خزر به شهر تهران، باتوجه‌به توپوگرافی دریای خزر تا تهران، نیازمند پمپاژ تا ارتفاع حدود سه‌هزار متر است. به بیان دیگر، برای هر متر مکعب آب انتقالی، میزان قابل توجهی انرژی برق لازم خواهد بود.»

«فرض کنیم با صرف هزینه‌ای حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار، بتوانیم به هدف موردنظر برای انتقال آب از طریق خط لوله دست باییم و آب را به حوزه مصرف تهران منتقل کنیم. کل مجموعه یکپارچه‌ای که ما به‌عنوان «منطقه یکپارچه مصرف آب تهران» می‌شناسیم (شامل مناطق آبیک تا ایوانکی) از یک مجموعه واحد منابع آب مصرف می‌کنند و در حال حاضر سالانه حدود چهار میلیارد متر مکعب مصرف آب در بخش‌های کشاورزی و صنعتی دارد. حال با فرض محال تأمین برق موردنیاز این پروژه در شرایط ناترازی برق کشور و پمپاژ آب تا ارتفاع سه‌هزار متری از سطح دریای خزر تا تهران، حجم ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب انتقالی از طریق یک خط لوله، در برابر چهار میلیارد متر مکعب مصرف فعلی آب کشاورزی و صنعتی در تهران، عدد ناچیزی است. بنابراین چنین پروژه‌ای جز منافع مالی ب‌سرای مجریان و تأمین‌کنندگان خطوط لوله، هیچ تأثیر معناداری در تعادل آبی کشور نخواهد داشت و در عمل به اتلاف منابع مالی منجر می‌شود. در حال حاضر در استان تهران، حدود ۱۰۹ میلیارد متر مکعب آب (یعنی بیش از ۱۲ برابر آب انتقالی از یک خط لوله) در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. بنابراین استان تهران با وجود این حجم از مصرف در بخش کشاورزی، هیچ‌گاه نیازی به اجرای پروژه‌های پرهزینه انتقال آب از دریای خزر نخواهد داشت.»

راه‌حل جلوگیری از بحران‌های آبی تهران همین حالا روشن است

وی در خصوص تبعات محیط‌زیستی تصریح کرد: «باید توجه داشت که مسئله محیط‌زیست یک رکن تکبعدی نیست و تنها به تبعات در سواحل یا در خود دریای خزر محدود نمی‌شود. محیط‌زیست مفهومی جامع است که شامل تمام آن چیزی می‌شود که بستر حیات انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. وقتی طرحی با نیاز بالایی انرژی و برق روی میز سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد، باید توجه داشت که تأمین برق موردنیاز آن نیز تبعات زیست‌محیطی به‌همراه دارد. این تبعات می‌تواند ناشی از افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی، گسترش نیر وگاه‌ها، با سایر اقدامات در طول مسیر اجرا باشد. بنابراین آثار زیست‌محیطی چنین طرحی تنها محدود به منبع آب یا مسیر انتقال نیست، بلکه شامل کل چرخه انرژی و منابع کشور می‌شود و باید در ارزیابی و ارزش‌گذاری هزینه پروژه‌ها لحاظ شود.»

«در نهایت باید در نظر داشت که اگرچه است‌ان تهران نسبت به دیگر مناطق کشور درصد مصرف آب شرب بالاتری دارد، اما همچنان بخش کشاورزی در این استان بیشترین سهم مصرف را به خود اختصاص داده است. بنابراین اگر به دنبال راهکارهایی برای جلوگیری از پدیده نشست زمین در جنوب تهران هستیم (مناطقی که بخش عمده زمین‌های کشاورزی در آن قرار دارند) باید به جای طرح‌های پرهزینه انتقال آب، به سمت کاهش مصرف در بخش کشاورزی و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی منابع آب حرکت کنیم. در واقع، راه‌حل‌ها برای جلوگیری از بحران‌های آبی و زیست‌محیطی تهران، همین حالا روشن است.»

اصل دانشنامه پایان دوره کارشناسی پیوسته در رشته حسابداری اینجناب شما از راناندا فرزند ناصر با شماره شناسنامه ۲۰۶۷ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.	۱۷۲۲۰۴۴۵۷۳ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی مکانیک خودرو صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۴۹۶۱۰۶۰۰۸۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.
اصلاحیه	از پابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵- ارسال نماید.
مدرک فارغ التحصیلی مرتضی شریف‌نیا فرزند کورش به شماره شناسنامه ۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۹۱۵ ارسال نماید.	

ردیف	نام	موقعیت	متراژ تقریبی	مبلغ پایه اجاره ماهیانه (به ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مزایده (به ریال)
۱	تایپ تکثیری شماره ۱	محوطه دانشگاه	۸۰ مترمربع	۱۱۰۷۰۰۰۰۰	۶۶۴۲۰۰۰۰
۲	تایپ تکثیری شماره ۲	محوطه دانشگاه	۸۰ مترمربع	۱۱۰۴۸۵۹۰۰	۷۱۰۹۱۵۴۰
۳	بوفه محوطه	محوطه دانشگاه	۱۰۰ مترمربع	۱۲۷۶۰۰۰۰۰	۸۸۵۶۰۰۰۰
۴	بوفه خوابگاه ازهرآ	محوطه خوابگاه	۳۰ مترمربع	۱۱۷۰۴۶۸۰	۷۰۲۲۸۰۰۸
۵	غرفه شماره ۲۲ فن بازار	محوطه دانشگاه	۱۰ مترمربع	۶۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
۶	غرفه شماره ۱۴ فن بازار	محوطه دانشگاه	۱۰ مترمربع	۶۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
۷	غرفه شماره ۲۵ فن بازار	محوطه دانشگاه	۱۵ مترمربع	۹۵۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰۰

روابطعمومی دانشگاه آزاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان

آگهی مزایده حضوری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی اروند در نظر دارد تعدادی از ماشین‌آلات مازدا بر نیاز خود را از طریق مزایده حضوری به شرح ذیل به فروش برساند. انواع ماشین‌آلات: ۱)سواروی پژو ۴۰۵ مدل ۹۲ ۲)سواروی پژو ۴۰۵ مدل ۹۳ ۳)سواروی پژو ۴۰۵ مدل ۹۴ ۴)سوار پژو ۴۰۵ مدل ۹۵ ۵)وانت آرسپان مدل ۹۴ ۶)موتورسیکلت سه چرخ مدل ۸۸ شرایط مزایده: بازدید تا قبل از مزایده و ورودی در روز مزایده به‌ازای هر نفر ۱۰/۰/۰/۰/۰۰۰ ریال نقداً یا واریز مبلغ به شماره حساب ۰۱۶۱۱۸۵۰۴ یا نکا تجارت به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی اروند می‌باشد که در صورت برنده‌نشدن پس از اتمام مزایده عودت داده می‌شود. از متقاضی به‌محض برنده‌شدن هر دستگاه ۱۰ درصد از قیمت فروش نقدا دریافت می‌گردد. زمان و مکان: زمان بازدید مزایده: از تاریخ درج آگهی تا مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ از ساعت ۹ صبح تا ۱۴ عصر زمان برگزاری مزایده حضوری (حراج): روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ ساعت ۱۰ صبح مکان بازدید و برگزاری مزایده: آبادان – بلوار آبی.../ طالقانی – دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی اروند- صندوق پستی ۶۶۶ تلفن: ۵۳۳۶۰۱۲۲ فاکس: ۵۳۳۶۰۱۱۱ موبایل: ۰۹۱۶۶۲۵۳۴۱۲ (کر مزاده) دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار است.

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سیهر جوان ۰۹۳۹۸۸۸۸۸۶۹۹